



نگاه رهبر انقلاب به شاهنامه و فردوسی

حکیم الهی

فهیمة اسماعیلی
روزنامه نگار

«خوب است روی شاهنامه کار شود» این جمله یکی از جملات کلیدی بازدید رهبر انقلاب از نمایشگاه کتاب امسال بود. این جمله از همان روز دیدار توجه اهالی رسانه و اهل ادبیات را به سمت خود جلب کرد. البته بازدید رهبر انقلاب از نمایشگاه جریان زیادی در میان اهالی کتاب ایجاد کرد. این جمله در نوع خود اتفاق جالبی بود. در حالی که طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی با القائات گوناگون تلاش شد نشان داده شود جمهوری اسلامی با ترویج و کار کردن روی فردوسی و اثر بزرگش مخالف است ولی بار دیگر دیده شد چنین تصویری از سوی رهبر انقلاب به عنوان سکاندار جمهوری اسلامی که در امور فرهنگی پیشگام است وجود ندارد و دیگران نیز مشغول القای نگاه خود به جامعه به عنوان نگاه‌های حاکمیتی هستند! به همین مناسبت مروری بر مواضع رهبر انقلاب در ارتباط با شاهنامه فردوسی داشته‌ایم تا بار دیگر اثبات شود ایشان نگاهی فرهنگی به موضوعات دارند.

اسفندیار حزب‌اللهی!

خوشبختانه ادبیات سلف ما همه‌اش در جهت ارزش‌های الهی و اسلامی است؛ از جمله همین شاهنامه که شما به آن اشاره کردید. اول انقلاب عده‌ای از مردم با خلاص بی‌اطلاع رفته بودند قبر فردوسی را در توس خراب کنند. وقتی من مطلع شدم، چیزی نوشتم و فوراً به مشهد فرستادم؛ که آن را بردند و بالای قبر فردوسی نصب کردند؛ نمی‌دانم الان هم هست یا نه. بچه‌های جهادی که به آن جامی رفتند، چشم‌شان که به شهادت بنده می‌افتد، لطف می‌کردند و می‌پذیرفتند و دیگر کاری به کار فردوسی نداشتند! حقیقت قضیه این است که فردوسی يك حکیم است؛ تعارف که نکردیم به فردوسی، حکیم گفتیم. الان چند صد سال است که دارند به فردوسی، حکیم می‌گویند.

حکمت فردوسی چیست؟ حکمت الهی اسلامی.

شما خیال نکنید که در حکمت فردوسی، يك ذره حکمت زردشتی وجود دارد. فردوسی آن وقتی که از اسفندیار تعریف می‌کند، روی دینداری او تکیه می‌کند. می‌داند که اسفندیار يك فرد متعصب مذهبی مبلغ دین بوده که سعی کرده پاك دینی را در همه جای ایران گسترش بدهد. تیپ اسفندیار، تیپ حزب‌اللهی‌های امروز خودمان است؛ آدم خیلی شجاع و ترس و دینی بوده است؛ حاضر بوده است برای حفظ اصولی که به آن معتقد بوده و رعایت می‌کرده، خطر بکند و از هفت خوان بگذرد و حتی با رستم دست و پنجه نرم کند. وقتی شما شاهنامه را مطالعه می‌کنید، می‌بینید که فردوسی روی این جنبه دینداری و طهارت اخلاقی اسفندیار تکیه می‌کند. با این که فردوسی اصلاً بنا ندارد از هیچ يك از آن پادشاهان بدگویی کند، اما شما ببینید گشتاسب در شاهنامه چه چهره‌ای دارد، اسفندیار چه چهره‌ای دارد؛ اینها پدر و پسر هستند. فردوسی بر اساس معیارهای اسلامی، به فضیلت‌ها توجه دارد؛ در حالی که طبق معیارهای سلطنتی و پادشاهی، در نزاع بین گشتاسب و اسفندیار، حق با شاه است. «به نیروی یزدان و فرمان شاه» یعنی چه؟ یعنی هر چه شاه گفت، همان درست است؛ یعنی حق با گشتاسب است؛ اما اگر شما به شاهنامه نگاه کنید، می‌بینید که در نزاع بین اسفندیار و گشتاسب، حق با اسفندیار است؛ یعنی اسفندیار يك حکیم الهی است. فردوسی از اول با نام خدا شروع می‌کند - «به نام خداوند جان و خرد/ کزین برتر اندیشه بر نگذرد» - تا آخر هم همین‌طور است؛ فردوسی را با این چشم نگاه کنید. فردوسی، خدای سخن است؛ او زبان مستحکم و استواری

دارد و واقعاً پدر زبان فارسی امروز است؛ او دلباخته و مجذوب مفاهیم حکمت اسلامی بود؛ شاهنامه را با این دید نگاه کنید. البته بعضی‌ها زردشتی‌مسکند، بعضی‌ها هم زردشتی‌مسلك نیستند. آنهایی که زردشتی‌مسکند، خوش‌شان می‌آید که به زردشتیگری تظاهر کنند و چیزی درباره فردوسی بگویند؛ اما حقیقت قضیه که این نیست. این شاهنامه فردوسی در مقابلمان است. شما خیال می‌کنید اگر در شاهنامه فردوسی چیزی برخلاف مفاهیم اسلامی وجود داشت، این قدر در جوامع اسلامی جامی افتاد؟ شما می‌دانید که در این نسل‌های گذشته، مردم ما مقدر دینی بوده‌اند. در کدام خانه و کدام ده و کدام محله، شاهنامه نبود یا خوانده نمی‌شد؟ همه جامی خواندند و منافاتی هم با مفاهیم اسلامی نمی‌دیدند. (در دیدار اعضای گروه ادب و هنر صدای جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۷۰/۱۲/۰۵)

حکمت‌های شاهنامه قرآنی است

نمی‌دانم شما آقایان چقدر با شاهنامه مأنوسید. من با شاهنامه مأنوسم. حکمت شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، حکمت اوستایی نیست؛ حکمت قرآنی است. اگر کسی به شاهنامه دقت کند، خواهد دید فردوسی ایران را سروده، اما با دید يك مسلمان؛ آن هم يك مسلمان شیعه. بیان زندگی قهرمان‌ها و پهلوان‌ها و شخصیت‌های مثبت مثل رستم و اسفندیار در شاهنامه در اندیشه‌های اسلامی ریشه و ظهور و بروز دارد. عکس آن شخصیت‌های منفی مثل تورانی‌ها یا بعضی از سلاطین، مثل کیکاووس شخصیت‌هایی هستند که در تفکر اسلامی به وضوح کوبیده شده‌اند. اما تفکر اوستایی چیست و چیزی که می‌تواند حکمت اوستایی را به ما نشان دهد، کجاست؟ زمان فردوسی هم بیش از الان نبوده. این‌طور نیست که ما خیال کنیم زمان فردوسی تفکر اوستایی آشکارتر بوده؛ خیر، آن وقت هم بیش از آنچه الان ما در اختیار داریم، نبوده است. لذا حکمت قرآنی همان حکمت ملی بومی و ایرانی ماست. (در بازدید از نمایشگاه مینیاتورها و نگارگری، در حسینیة امام خمینی: ۱۳۷۲/۰۶/۱۰)

بزرگداشت به خواست من!

بله؛ من موافقم که از «فردوسی» تجلیل شود، شاهنامه تحلیل شود و حکمت فردوسی استخراج گردد تا همه

بدانند که این حکمت، اسلامی است یا غیراسلامی. این بزرگداشتی هم که برگزار شد، اصلاً به دستور و خواست من بود؛ منتها چون اواخر ریاست جمهوری‌ام بود، به آقای مهندس «حجت» گفتم که دنبال نمایید و فردوسی را بزرگ کنید. فردوسی باید هم بزرگ شود. فردوسی در قله است. امیدواریم کم‌کاری - که دوستان اشاره کردند - گریبان ما را نگیرد تا حکمت فردوسی را بیان کنیم. ما هستیم که اسم او را حکیم ابوالقاسم فردوسی گذاشتیم؛ دشمنان دین که این اسم را گذاشته‌اند. خوب؛ این حکیم چه کسی است و حکمت او چیست؟ آیا حکمت زردشتی است، حکمت بی‌دینی است، حکمت پادشاهی است یا حکمت اسلامی؟ این را می‌شود در آورد. اگر کسی به شاهنامه نگاه کند، خواهد دید که يك جریان گاهی باریک و پنهان و گاهی وسیع، از روح توحید، توکل، اعتماد به خدا و اعتماد به حق و مجاهدت در راه حق در سراسر شاهنامه جاری است. این را می‌شود استخراج کرد، دید و فهمید. به خصوص بعضی از شخصیت‌های شاهنامه خیلی برجسته هستند که اینها را باید شناخت و استخراج کرد. من يك وقت گفتم که «اسفندیار» مثل این بچه حزب‌اللهی‌های امروز خود ماست! در فرهنگ شاهنامه يك حزب‌اللهی‌غیور دین‌خواه مبارز وجود دارد. بله؛ این کارها را شما بکنید تا دیگران نکنند. شما که نکردید، دیگران می‌کنند. (سخنان حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم: ۱۳۸۱/۱۱/۰۸)

فردوسی برخوردار از معارف ناب دینی

اگر بخواهید به لوازم اسوه بودن و الگو بودن عمل کنید، بایستی معرفت دینی و معرفت اسلامی خودتان را عمیق ببخشید و این در گذشته شعر ما وجود داشته. شما نگاه کنید، شاعران برجسته ما اغلب - حالا نمی‌گویم همه - اینجورند؛ از فردوسی بگیرد تا مولوی، سعدی، حافظ و جامی. فردوسی، حکیم ابوالقاسم فردوسی است. به يك آدم داستان‌سرا، اگر صرفاً داستان‌سرا و حماسه‌سرا باشد، حکیم نمی‌گویند. این «حکیم» را هم ما نکفیم؛ صاحبان فکر و اندیشه در طول زمان او را حکیم نامیدند. شاهنامه فردوسی پراز حکمت است. او انسانی بوده برخوردار از معارف ناب دینی. (در دیدار جمعی از شعر: ۱۳۹۰/۰۵/۲۴)



رهبر انقلاب:

روح داستان‌سرایی در ایران ضعیف نیست؛ دلیلش هم داستان‌های فردوسی و مولوی است در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون: ۱۳۸۵/۰۳/۲۳